



بیا پیش من بمون

نویسنده

Nasrin Siege

تصویرگر

Subi Bosa

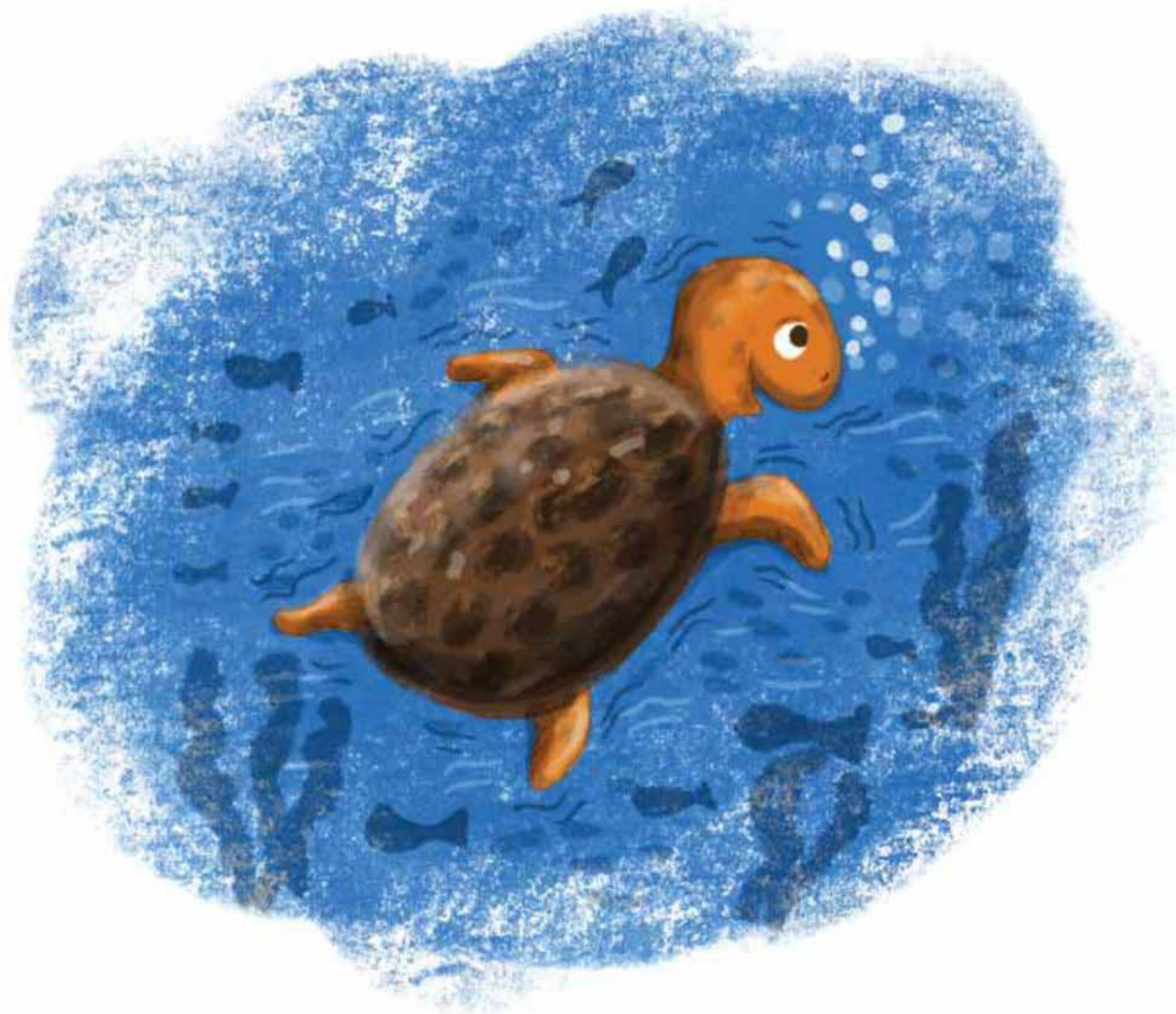
طراحی

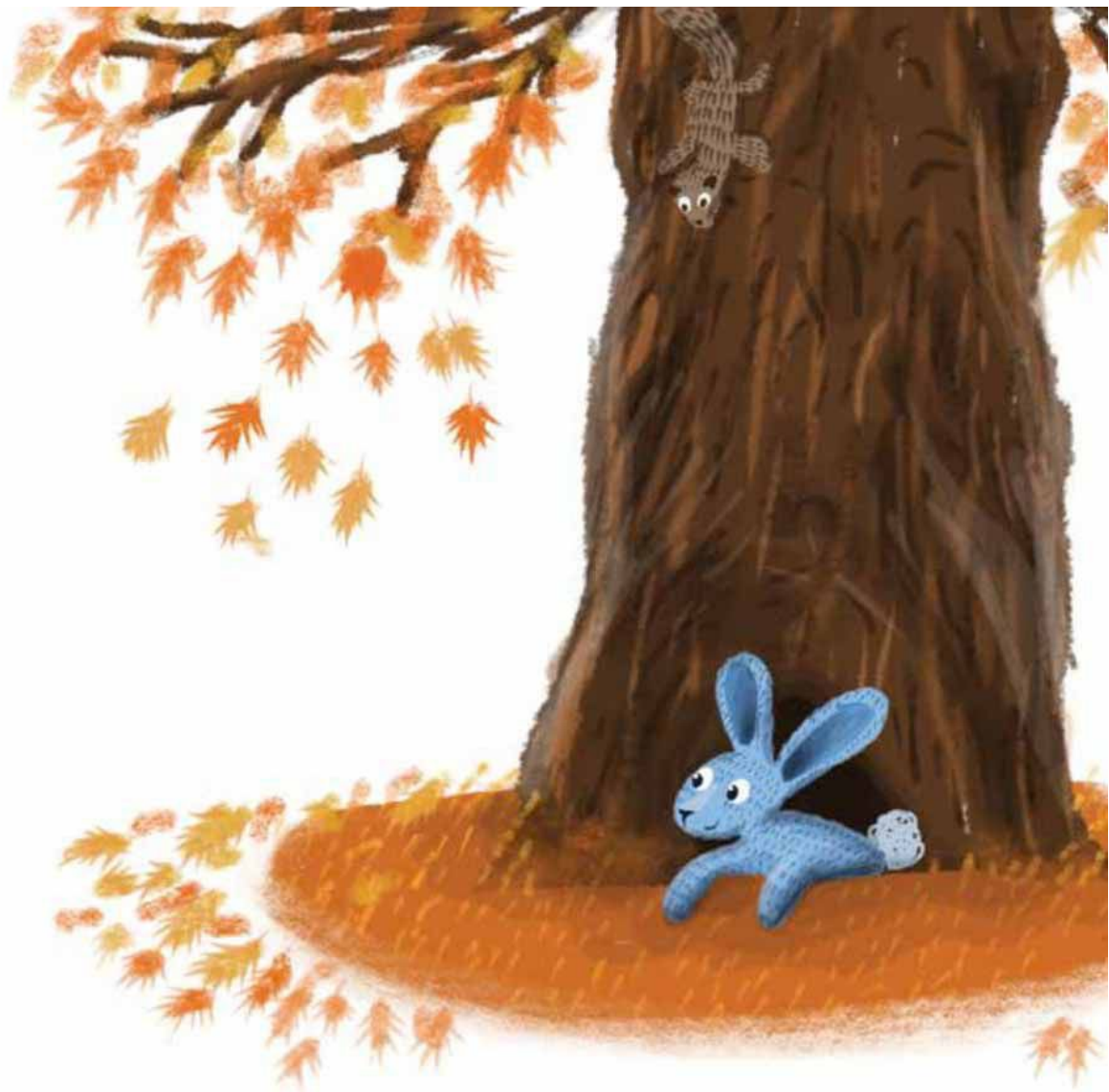
Job Mubinya

ترجمه

فاطمه صیدرون

لاک پشت تندای در آب زندگی می کند.

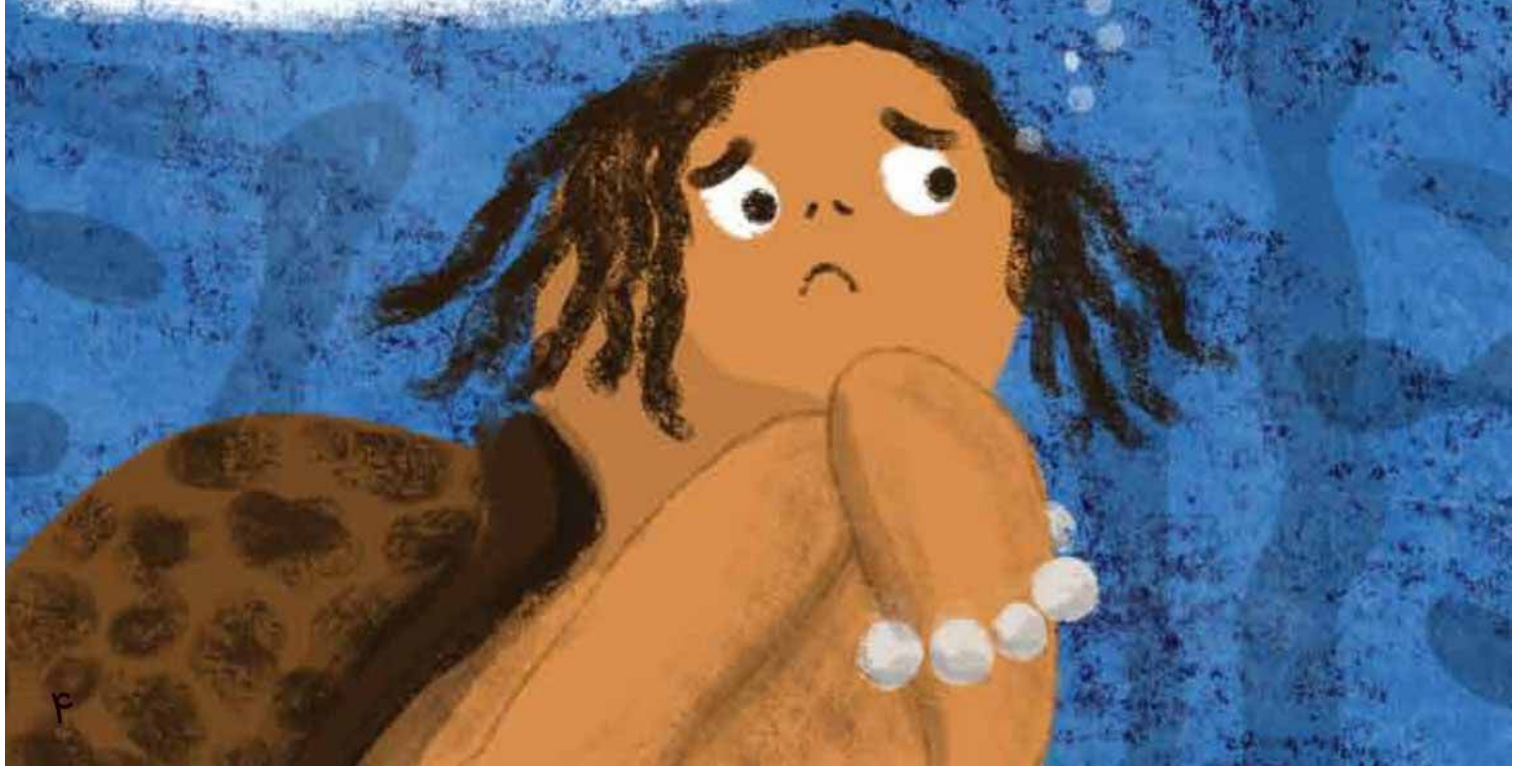




بهترین دوست تندای بوسی خرگوشه است.
او داخل یک درخت زندگی می کند

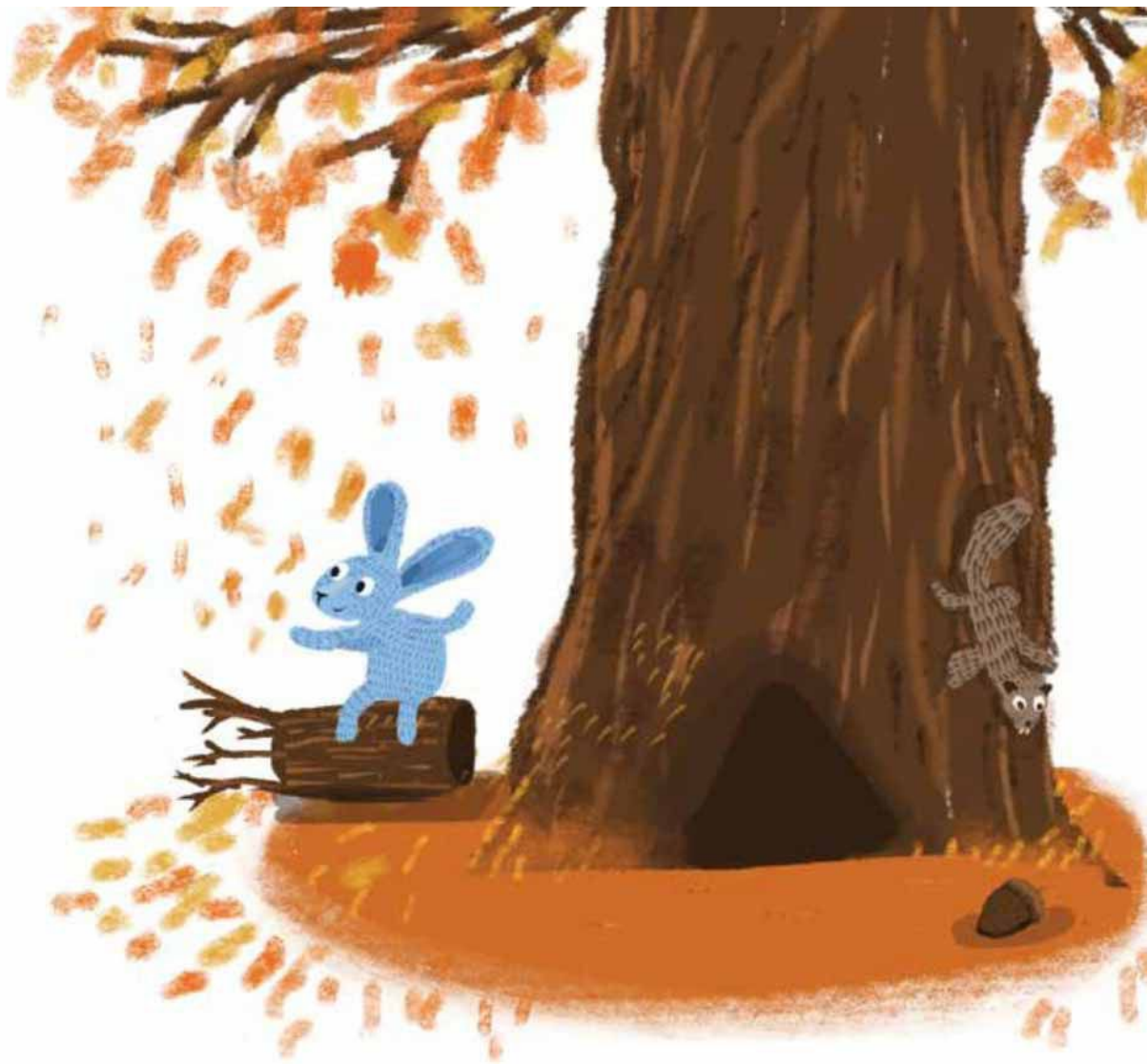


لاک مادر بزرگ لاک پشته ، شکسته.



مامان می گوید :
”ما باید برای کمک به مادر بزرگ برویم.“





بوسی خوگوشه با صدای بلند می گوید:
”بیا پیش من بمان.“

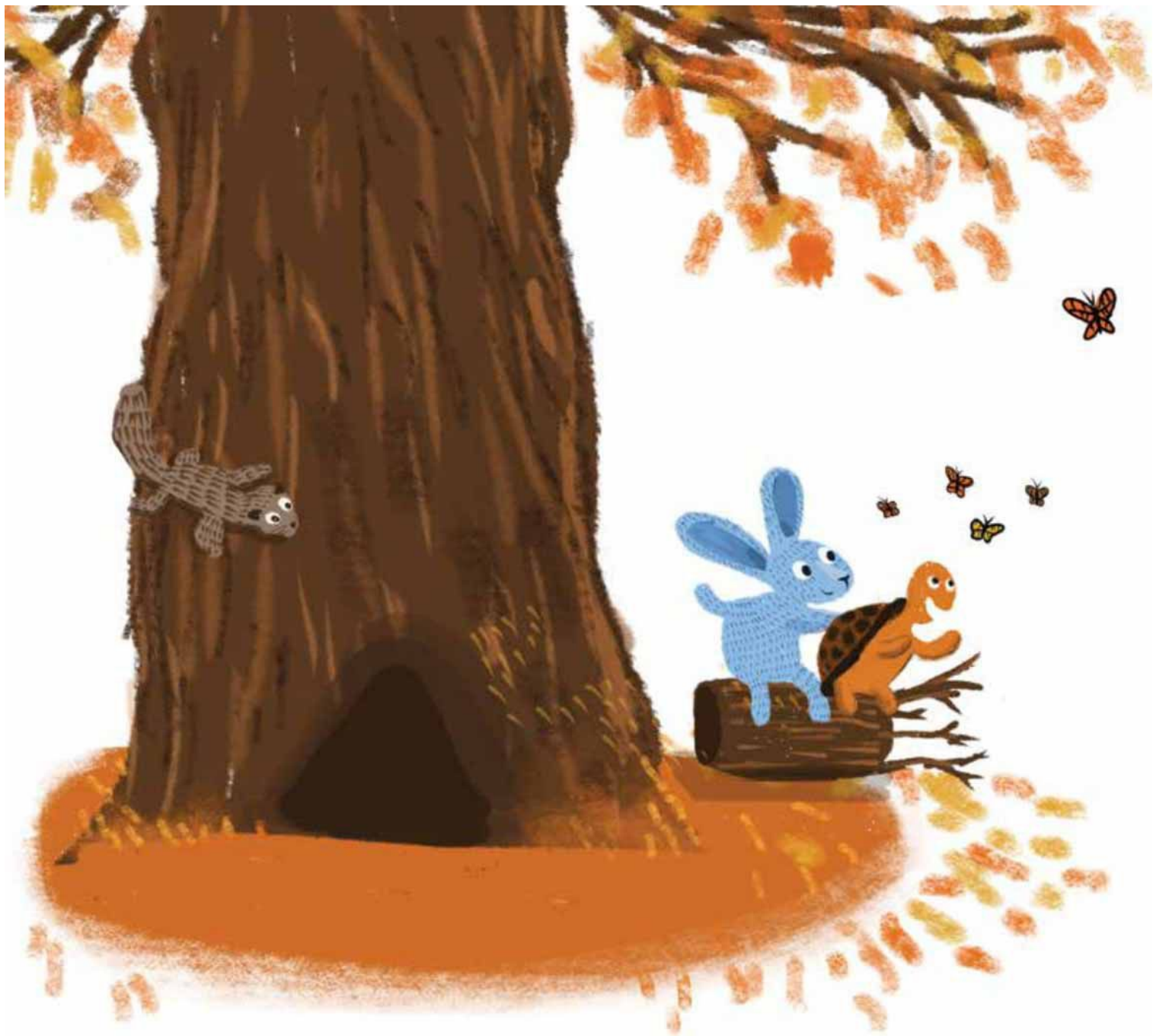
تندای پیش بوسی خرگوشه در درخت می ماند.



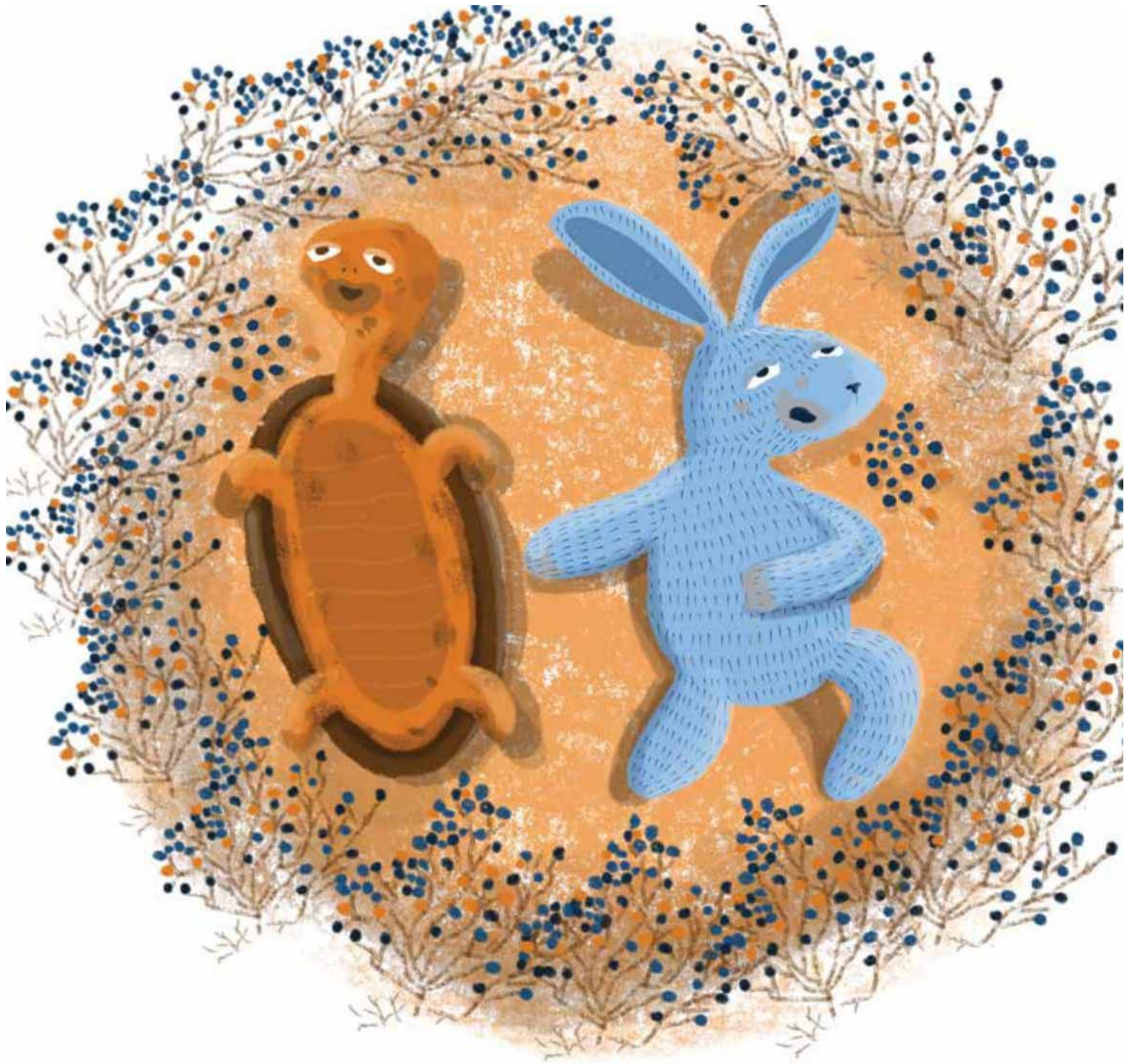



آنها تمام روز را با هم بازی کردند.



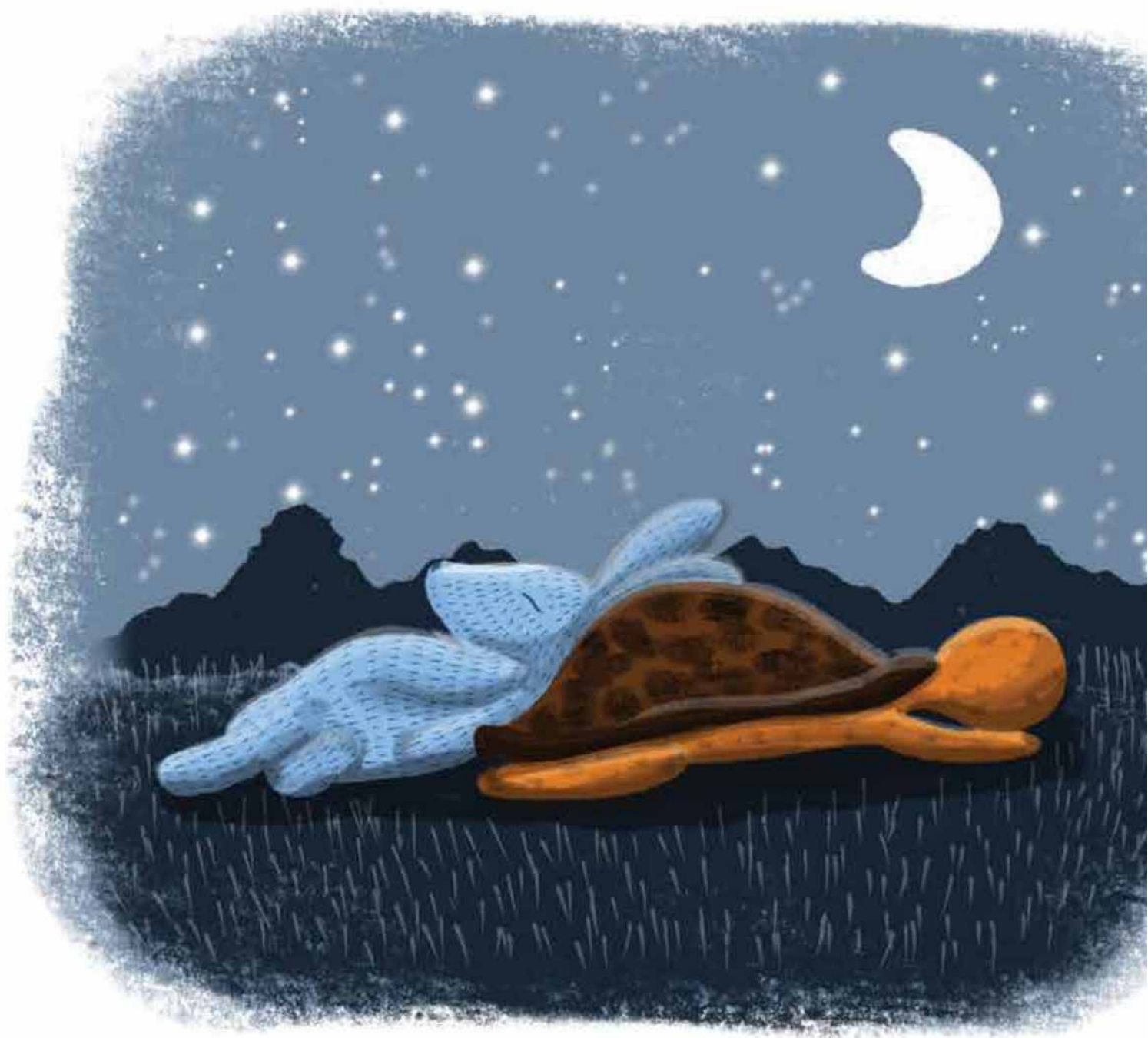








آنها تمام شب را خوابیدند.



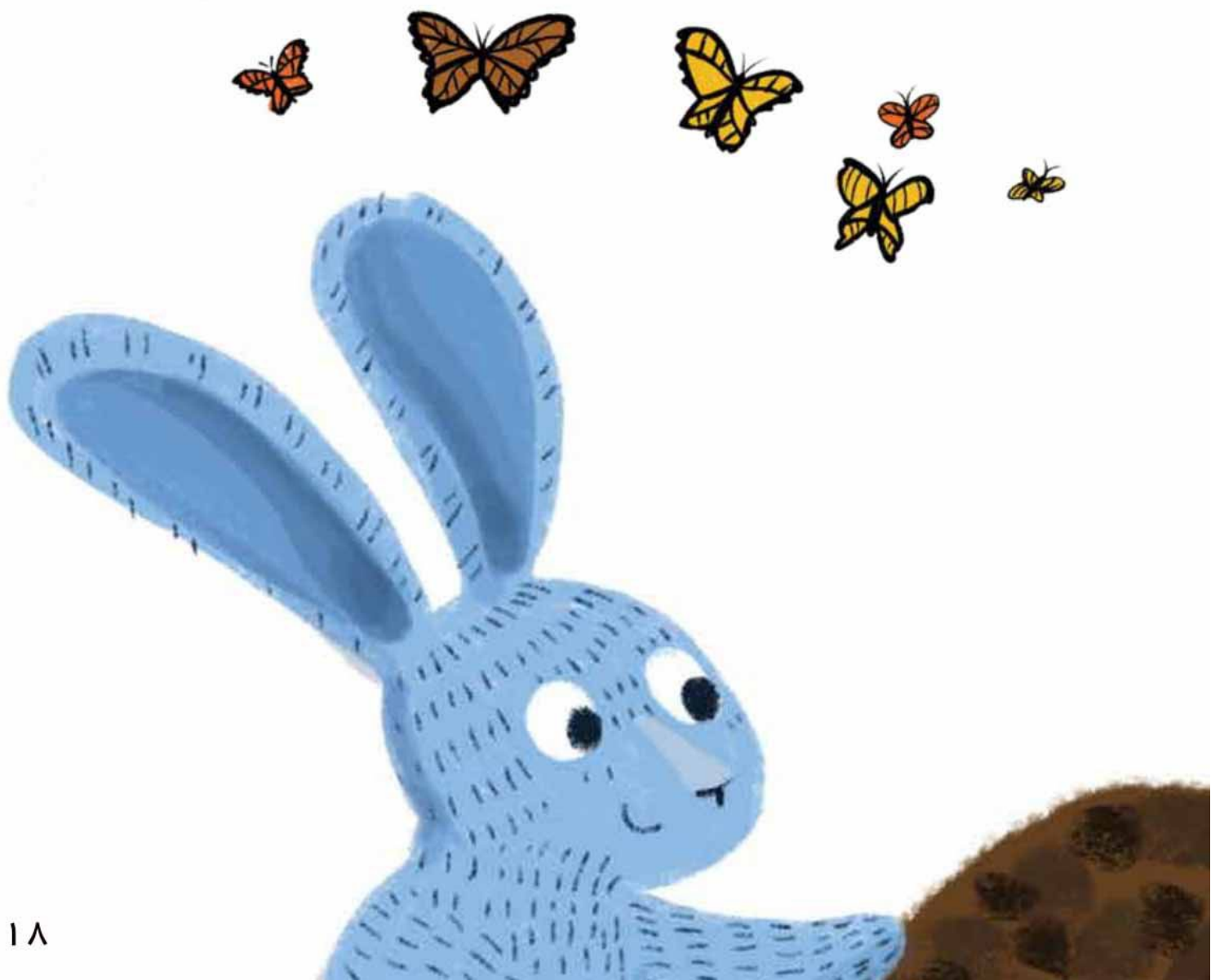


مامان و بابا به همراه مادر بزرگ آمدند.



تندای می پرسد:
"حالت چگونه مادر بزرگ؟"





مادربزرگ با لبخند می گوید:
"الان بهترم"



مامان جواب می دهد:
"ما لاک او را تعمیر کردیم."





مادر بزرگ فلوت مورد علاقه اش را
به تندای می دهد.

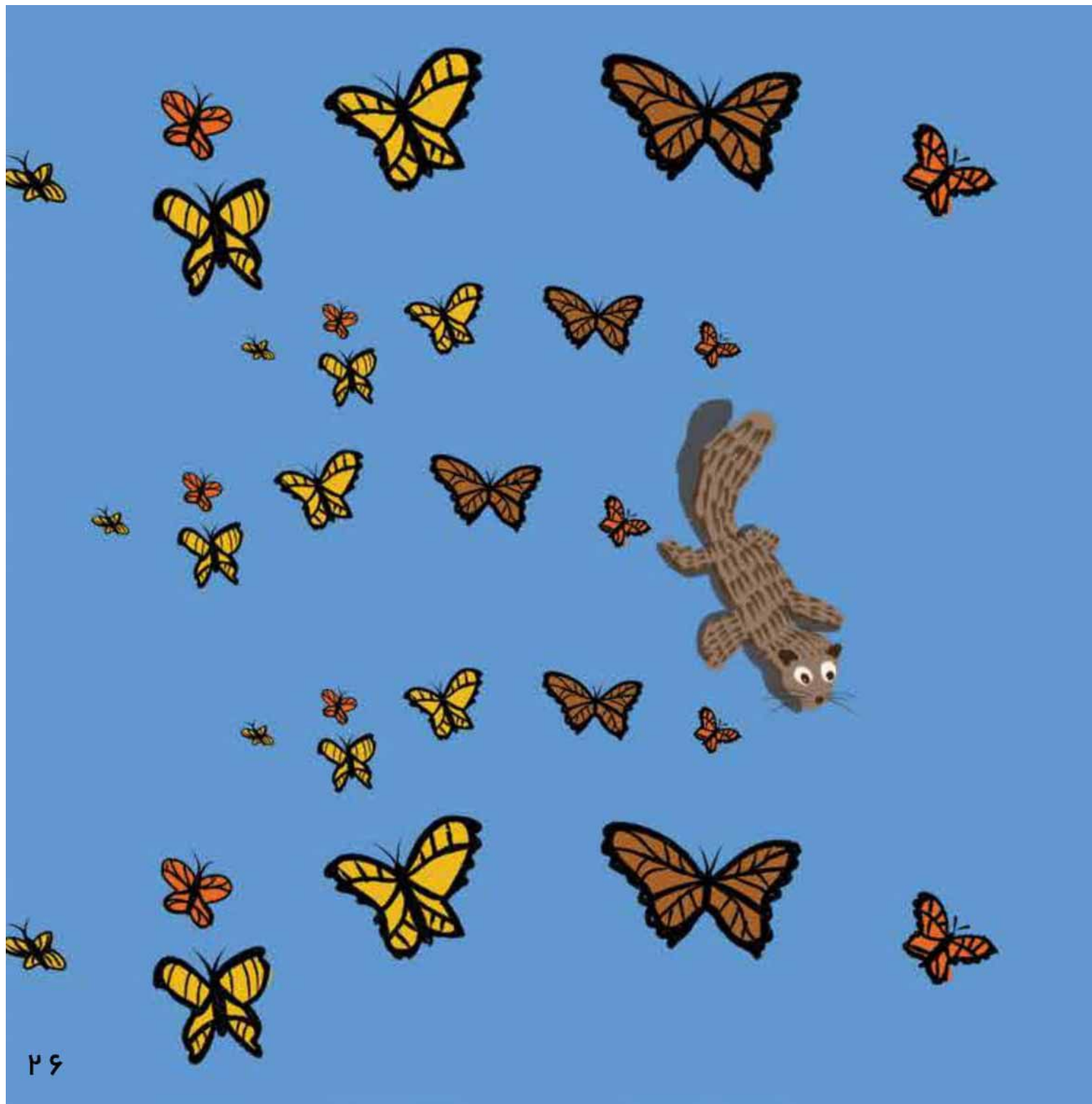


تندای فلوت می نوازند و
همه می رقصند.











- پایان -